

تفسیر تطبیقی آیه نفخ صور «سوره زمر ۶۸»

محمد عبد الحنان*

چکیده

یکی از مهم ترین وقایعی که در جریان وقوع قیامت واقع می شود و به نوعی پایان اشراط الساعه (نشانه های قیامت) و آغاز قیامت محسوب می شود، نفخ صور اصطلاحی است که قرآن مجید آن را به عنوان پایان جهان فانی و آغاز جهان باقی معرفی نموده و از رویدادی بزرگ و دهشت انگیز خبر می دهد. مفسران بر اساس آیات و روایات بیانات متفاوتی درباره نفخ صور و نشانه های آن مطرح کرده اند. این مقاله چستی نفخ صور، تعداد نفخ صور، مستثنا شدگان از صعقه و... را به طور روشن و بر اساس تفسیر تطبیقی بررسی نموده و ضمن ارائه آراء و استخراج و شناخت دیدگاه ها، بستری مناسب برای فهم عمیق آیات ۶۸ سوره زمر را فراهم نموده است.

واژگان کلیدی: نفخ، صور، قیامت، اسرافیل، صعق.

*. دانش پژوه دکتری رشته تفسیر تطبیقی- مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)-

hannan7793@gmail.com

مقدمه

آیه «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ»^۱ (و در شیپور دمیده شود، پس کسانی که در آسمان‌ها و کسانی که در زمین‌اند مدهوش می‌شوند (و می‌میرند)، مگر کسانی که خدا بخواهد سپس [بار] دیگر در آن (شیپور) دمیده می‌شود و ناگهان آنان ایستاده‌اند، درحالی‌که منتظر (حساب) هستند!) از آیه ۶۸ سوره زمر است. این سوره از سوره‌های مکی و دارای ۷۵ آیه نورانی می‌باشد. در آیه قبل از این آیه سخن از قیامت در میان آمد، در آیه مورد بحث نیز همین مسئله را با ذکر بسیاری از خصوصیات تعقیب می‌کند، نخست از پایان دنیا شروع کرده و می‌فرماید: در صور دمیده می‌شود، تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد. سپس بار دیگر در صور دمیده می‌شود، ناگهان همگی بپا می‌خیزند و در انتظار حساب و جزا و سرنوشت خویش‌اند.

مفهوم شناسی

در این قسمت لازم است برای روشن شدن بهتر بحث دو واژه ازلحاظ مفهومی تبیین گردد.

الف) نفخ: لغت شناسان در مورد معنای لغوی نفخ گفته‌اند که نفخ به معنای دمیدن است^۲ و این دمیدن ممکن است به صورت مادی باشد مثل دمیدن در آتش که قرآن کریم می‌فرماید: «آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قِطْرًا»^۳ قطعات آهن برایم بیاورید. تا وقتی که بین دو طرف (کوه) را مساوی کند. «گفت»: بدمید تا هنگامی که آن (قطعات آهن را همچون) آتش گرداند. «گفت»: مس گداخته‌ای برایم بیاورید تا بر آن (سد) بریزم؛ و یا ممکن است معنوی باشد مثل دمیدن روح در بدن که خداوند متعال بعد از طی مراحل اولیه خلقت فرمود:

۱. زمر/۶۸

۲. خلیل ابن احمد فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۳۷۷؛ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج

۳، ص ۶۳؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، ص ۸۱۶.

۳. کهف/۹۶

«وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^۱ و هنگامی که او را مرتب نمودم و از روح خود در او دمیدم، پس برای او سجده‌کنان درافتید.

ب) الصور: درباره واژه صور دو دیدگاه عمده وجود دارد: گروه اول: واژه صور را مفرد می‌دانند و آن را به قرن (شاخ) معنا کردند. بر این اساس نفخ صور به معنای دمیدن در شاخ است.^۲ صور به معنی شیپور (شاخ میان‌تهی است) معمولاً برای حرکت قافله یا لشکر، یا برای توقف آن‌ها به صدا درمی‌آوردند. لفظ صور به ضم (ص) «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ» ده بار در قرآن مجید آمده و همه درباره قیامت است و از کلام‌الله ظاهر می‌شود که هم مردن مردم و هم زنده شدن آن‌ها در اثر نفخ صور است.^۳

گروه دوم: صور را جمع صورۀ یا صویره می‌دانند. طریحی می‌نویسد صور جمع صورت است که روح در آن دمیده می‌شود زنده می‌گردد. صور به کسر صاد لغتی دیگر است و صورت عام است و آنچه شبیه مخلوقات خدای متعال باشد اعم از روح و غیر آن را شامل می‌شود.^۴ بر این اساس صور جمع صورت‌ها است؛ یعنی همان بدن‌های خاکی و مادی است که روح در آن دمیده می‌شود.

دیدگاه‌های مفسران درباره صور

اینکه معنا صور و یا مراد از آن چیست و چه ویژگی و نشانه‌ای دارد بین مفسران عامه و خاصه اختلاف نظر وجود دارد که در ذیل اهم دیدگاه‌های طرفین همراه با نقد و بررسی ذکر می‌گردد:

صور در تفاسیر شیعه

علی بن ابراهیم در ذیل آیه ۶۸ سوره زمر با اسناد خود از پدرش از حسن بن محبوب از محمد بن نَعْمَانِ أَحْوَل از سلام بن مُسْتَنیر از ثَوْبَرِ بْنِ أَبِي فَاخِثَةَ از حضرت سَجَاد علی بن الحسین (ع) روایت کرده است که: از آن حضرت سؤال شد: فاصله زمانی

۱. حجر/۲۹

۲. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۷۶.

۳. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۶۱.

۴. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ۳، ص ۳۶۸.

ما بین دو نفخه صور (نفخه اماته و نفخه احیاء) چقدر است؟ حضرت فرمود: به قدری که خداوند اراده کند. به آن حضرت گفته شد: ای فرزند رسول خدا! به ما خبرده چگونه در صور دمیده می شود؟ فرمود: اما در نفخ اول، خداوند به اسرافیل امر می کند که به دنیا فرود آید؛ و با اسرافیل صوری است و آن صور یکسر و دو طرف دارد؛ و فاصله بین هر طرفی از سر آن صور تا طرف دیگر به اندازه دوری آسمان و زمین است. ملائکه آسمان چون ببینند که اسرافیل به دنیا فرود آمده است و با او صور است می گویند: اینک خداوند در مرگ و هلاکت و فناء اهل آسمانها و اهل زمین اذن و اجازه داده است. اسرافیل از آسمان به زمین فرود می آید و در حظیره القدس بیت المقدس رو به کعبه می ایستد؛ و چون مردم روی زمین نظرشان به اسرافیل افتد با خود می گویند: خداوند همین اکنون اجازه فنا و هلاکت اهل دنیا را داده است. در این حال اسرافیل در صور می دهد و از آن طرفی که به سوی زمین است صدائی خارج می شود که هیچ زنده و ذی روحی در زمین نمی ماند مگر آنکه هلاک می شوند و می میرند. و از آن طرفی که به سوی آسمانهاست صدائی خارج می شود بطوریکه هیچ زنده و ذی روحی نمی ماند مگر آنکه هلاک می شوند و می میرند؛ مگر اسرافیل. آن وقت به قدری که خداوند اراده کند، مکث و درنگ می کنند. در این حال خداوند به اسرافیل خطاب می کند: مُتْ؛ بمیر، اسرافیل هم می میرد. آن وقت به قدری که خداوند اراده کند مکث و درنگ می کنند؛ و سپس خداوند به آسمانها امر می کند و آنها به تموج و اضطراب می افتند و به کوهها فرمان می دهد و آنها به حرکت درمی آیند؛ و این است مفاد کریمه شریفه: «يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا وَ تَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا»^۱ یعنی تَبْسُطُ، باز و منبسط می گردد؛ و مفاد کریمه شریفه: «تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» زمین تبدیل می شود به زمین دیگری، یعنی زمینی که بر روی آن گناه نشده است، زمینی مسطح و یکپارچه که در آن نه کوهی است و نه گیاهی، همان طور که خداوند در اولین مرحله زمین را آفرید و گستراند؛ و در این حال عرش خدا بر آب عودت می کند و عالم مشیت و اراده خدا بر وجود منبسط و مجرد که از هر لون و شکلی منزّه است برمی گردد؛ و پروردگار در کاخ عظمت و قدرت مستقر خواهد شد.

در این هنگام خداوند جبّار جلّ جلاله با صدای بلندِ جَهَوَری بطوریکه تمام اقطار آسمان‌ها و زمین‌ها بشنوند ندا می‌کند: «لِمَنْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ»^۱ «امروز سلطنت و فرمانروایی حقّه مطلقه برای کیست؟» هیچ‌کس نیست که در پاسخ خدا چیزی گوید؛ و خداوند جبّار جلّ جلاله در این وقت خود، به خودپاسخ می‌دهد: لِلّهِ الْوَحْدِ الْقَهَّارِ. «سلطنت و حکومت اختصاص به خداوند واحد قهّار دارد.» منم که باقدرت قهریه و با اسم القهّار خود بر جمیع مخلوقات چیره شدم و همه را میراندم. «إِنِّي أَنَا اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي؛ لَا شَرِيكَ لِي وَلَا وَزِيرَ لِي. أَنَا خَلَقْتُ خَلْقِي بِيَدِي، وَأَنَا أَمْتُهُمْ بِمَشِيَّتِي، وَأَنَا أُحْيِيهِمْ بِقُدْرَتِي» «بدرستی که حقّاً منم خدا، هیچ معبودی در هیچ‌یک از عوالم جز من نیست. من در کار خود و در اسم و صفت خود و در ذات خود شریک و معاونی ندارم؛ و من مخلوقات را تنها به دست قدرت خود آفریدم و من تنها آنها را به مشیت و اراده خود میراندم و من تنها به قدرت خود آنان را زنده می‌گردانم.»

خداوند جبّار، خود در صور یک نفخه می‌دهد و از آن‌طرفی که به سمت آسمان‌هاست صدائی خارج می‌شود که هیچ‌کس در آسمان‌ها نمی‌ماند مگر آنکه زنده می‌شود و بر پا می‌ایستد و مانند وهلاتِ اوّلین قیام می‌کند و فرشتگان حاملین عرش همه برمی‌گردند و بهشت و دوزخ حاضر می‌شوند و جمیع خلایق برای حساب محشور می‌شوند. راوی این روایت ثویر بن ابی فاخته می‌گوید: چون سخن حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما بدینجا رسید، گریه شدیدی نمودند.^۲ صور جمع صورت است، گویا که در صورت‌ها و چهره‌های مردم دمیده می‌شود و این قول «قتاده» است و نیز از او نقل شده که (صور) را به فتح واو قرائت کرده است^۳ حق تعالی گفت: در صور دمند. عبدالله بن عمر گفت، رسول را- علیه السّلام- پرسیدم از صور، گفت: مانند سروی است باد در او دمند.^۴

«صور» به معنی «شیپور» یا شاخ میان‌تهی است که معمولاً برای حرکت قافله یا لشکر، یا برای توقف آن‌ها به صدا درمی‌آوردند. البته آهنگ این دو باهم متفاوت بود، شیپور

۱. غافر/ ۱۶

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۳.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ۷۹۲؛ محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۶.

۴. حسین بن علی ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۱۶، ص ۳۴۷.

توقف، قافله را یکجا متوقف می‌کرد و شیپور حرکت، اعلام شروع حرکت قافله بود.^۱ البته چگونه امواج صوتی آن تمام جهان را فرامی‌گیرد؟ باینکه می‌دانیم امواج صوتی حرکت کندی دارد و از دویست و چهل متر در ثانیه تجاوز نمی‌کند، درحالی‌که حرکت نور بیش از یک میلیون بار از آن سریع‌تر است و به سیصد هزار کیلومتر در ثانیه می‌رسد. باید گفت ما نسبت به این موضوع همانند بسیاری از مسائل مربوط به قیامت تنها علم اجمالی داریم و جزئیات آن - چنان‌که گفتیم - بر ما روشن نیست. دقت در روایاتی که در منابع اسلامی در تفسیر «صور» آمده نیز نشان می‌دهد که برخلاف پندار بعضی «صور» یک شیپور معمولی نیست.

در روایتی از امام علی بن الحسین زین العابدین (ع) آمده است: «ان الصور قرن عظیم له رأس واحد و طرفان و بین الطرف الاسفل الذی یلی الارض الی الطرف الاعلی الذی یلی السماء مثل تخوم الارضین الی فوق السماء السابعة، فیه اثقاب بعدد ارواح الخلائق!» صور شاخ بزرگی است که یکسر و دو طرف دارد و میان طرف پائین که در سمت زمین است تا طرف بالا که در سمت آسمان است به اندازه فاصله اعماق زمین تا فراز آسمان هفتم است و در آن سوراخ‌هایی به عدد ارواح خلائق می‌باشد! در حدیث دیگری از پیغمبر گرامی اسلام ص می‌خوانیم: «الصور قرن من نور فیه اثقاب علی عدد ارواح العباد» صور شاخی است از نور که در آن سوراخ‌هایی به عدد ارواح بندگان است!

مطرح شدن مسئله نور در اینجا به سؤال دومی که در بالا ذکر شد نیز پاسخ می‌گوید و روشن می‌سازد که این فریاد عظیم از قبیل امواج صوتی معمولی ما نیست، فریادی است برتر و بالاتر، با امواجی فوق‌العاده سریع‌تر از امواج نور که پهنه زمین و آسمان را در فاصله کوتاه طی می‌کند، بار اول مرگ‌آفرین است و بار دیگر زنده‌گر و حیات‌بخش است.

این مسئله که چگونه ممکن است صدا این‌چنین مرگ‌آفرین باشد اگر در گذشته برای بعضی شگفت‌انگیز بود امروز برای ما تعجبی ندارد، چراکه بسیار شنیده‌ایم موج انفجار گوش‌ها را کر، بدن‌ها را متلاشی و حتی خانه‌ها را ویران می‌سازد، انسان‌هایی را از جای خود برداشته، به فاصله‌های دوردست پرتاب می‌کند بسیار دیده‌شده است که حرکت سریع یک هواپیما و به اصطلاح شکستن دیوار صوتی چنان صدای وحشتناک و امواج ویرانگری به وجود می‌آورد که شیشه‌های عبارت‌ها را در شعاع وسیعی خرد می‌کند. جایی که نمونه‌های کوچک امواج صوتی که به وسیله انسان‌ها ایجاد شده

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۳۵.

این چنین اثراتی از خودشان می‌دهد آن صیحه عظیم الهی، آن انفجار بزرگ جهانی چه آثاری ببار خواهد آورد؟! به همین دلیل جای تعجب نیست که امواجی هم در نقطه مقابل آن تکان‌دهنده و بیدارکننده و احیاگر باشد، هرچند تصور آن امروز برای ما ممکن نیست، ولی بیدار کردن افراد خواب را با فریاد و یا به هوش آوردن انسان‌های بی‌هوش را با شوک‌های شدید لا اقل دیده‌ایم و باز تکرار می‌کنیم ما با علم محدودمان تنها شبی از این امور از دور می‌بینیم.^۱

صور در تفاسیر اهل سنت

بیشتر مفسرین اهل سنت صور را به معنای قرن دانسته و گفته‌اند که صور به معنای قرنی است که اسرافیل در آن می‌دمد. از عبدالله بن عمرو نقل شده که او می‌گوید: از رسول خدا (ص) پرسیدم که صور چیست؟ فرمود: قرنی که در آن دمیده می‌شود.^۲ همچنین اندلسی نیز گفته است صور در این آیه شریف به معنای قرن می‌باشد و غیر از این تصور نمی‌شود.^۳ صور قرنی است که اسرافیل در آن می‌دمد و آن را به وفا نامیده می‌شود.^۴

بررسی

منابع لغوی، شواهد روایی و سیاق آیات گویای این است که دیدگاه اول مناسب‌تر است؛ زیرا:

۱. اگرچه بعضی از مفسرین «صور» را جمع «صورت» دانسته و بنابراین نفخ صور را به معنی دمیدن در صورت مانند دمیدن روح در کالبد بشر دانسته‌اند، طبق این تفسیر یک‌مرتبه در صورت‌های انسانی دمیده می‌شود و همگی می‌میرند و یک‌بار دمیده می‌شود همگی جان می‌گیرند. این تفسیر علاوه بر اینکه با متون روایات سازگار نیست با خود آیه نیز نمی‌سازد؛ زیرا ضمیر مفرد مذکر در جمله «ثُمَّ نَفْخُ فِيهِ أُخْرَى» به آن

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۳۹.

۲. نیشابوری ابو اسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۵۴.

۳. ابو حیان محمد بن یوسف اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ج ۹، ص ۲۲۱.

۴. آل غازی عبدالقادر ملاحویش، بیان المعانی، ج ۳، ص ۳۶۱.

بازگردانده شده، درحالی که اگر معنی جمعی داشته باشد باید ضمیر مفرد مؤنث به آن بازگردد و «نفخ فیها» گفته شود.^۱

۲. روایات فریقین: روایات فریقین دیدگاه اول را تقویت می کند و لازمه پذیرش دیدگاه دوم به کنار گذاشتن این دسته از نصوص صحیحه است. درحالی که حوادث مربوط قیامت را ما فقط از طریق آیات و روایات به دست می آوریم.

۳. صور اگر به منای صورت ها باشد، نفخ صور درباره مرحله دوم قابل تصور است و شامل نفخه اول که الاماته است نمی شود.

۴. در قرآن هر جا صحبت از نفخ معنوی و دمیدن نموده فعل را به صورت معلوم به خدا نسبت داده است. مثل «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^۲ و هنگامی که او را مرتب نمودم و از روح خود در او دمیدم، پس برای او سجده کنندگان دریافتید.^۳ درحالی که درباره نفخ صور همه فاعل مجهول آمده است «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ». این نحوه بیان می تواند بیانگر این نکته باشد که دمیدن روح و دمیدن صور دو مسئله متفاوت باشد.

۵. اگر دمیدن روح در صورت ها بود خداوند باید به خود نسبت می داد چون خداوند نفخ ارواح در صورت ها به خود نسبت داده است همان گونه که می فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»^۴ و فرمود: «فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا»^۵ ولی نفخ صور به معنای دمیدن در شاخ است. پس خداوند آن را به غیر خودش نسبت داده است.^۶ همان طور می فرماید: «فَإِذَا نُفِخَ فِي النُّقُورِ»^۷ و «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ»^۸

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۳۷.

۲. حجر/۲۹

۳. انبیاء/۹۱؛ سجده/۹؛ ص ۷۲؛ تحریم ۱۲.

۴. حجر/۲۹

۵. انبیاء/۹۱

۶. محمد بن عمر فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۳، ص ۲۹

۷. مدثر/۸

۸. زمر/۶۸

۶. البته این صور یک صور معمولی نیست و امواجی که از آن خارج می‌شود، امواج صوتی معمولی ما نیست، فریادی است برتر و بالاتر، با امواجی فوق‌العاده سریع‌تر از امواج نور که پهنه زمین و آسمان را در فاصله خیلی کوتاه طی می‌کند که بار اول مرگ‌آفرین است و بار دیگر زنده‌گر و حیات‌بخش است.

حقیقی بودن یا تمثیلی بودن تعبیر نفخ صور

بر اساس که صور را به معنای شیپور بدانیم این سؤال مطرح می‌شود که آیا تعبیر نفخ صور تعبیر حقیقی است یا از باب تمثیل و کنایه است؟ در میان مفسران در این باره سه دیدگاه وجود دارد.

۱. استعاری و کنایی بودن تعبیر نفخ صور

در تبیین چگونگی استعاره و کنایه بودن نفخ صور نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که تعبیر نفخ صور کنایه از قیامت است.

طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان می‌نویسد: حکمت در دمیده شدن (صور) این است که خداوند آن را نشانه‌ای قرار داده تا خردمندان پایان کار خود را در جهان تکلیف دانسته و آغاز خلقت جدید را متوجه شوند، پس این را تشبیه کرده به آنچه در میان مردم متعارف است که هنگام کوچ و رحلت و نزول و فرود بوق می‌زنند و برای مردم چه مثالی بهتر از این می‌توان در این حادثه به کاربرد.^۱

آیت‌الله مکارم شیرازی درباره کنایی بودن نفخ صور می‌نویسد: کنایی زیبایی است از حوادث ناگهانی و همزمان، زیرا «نفخ» به معنی دمیدن و «صور» به معنی «شیپور» یا شاخ میان‌تهی است که معمولاً برای حرکت قافله یا لشکر، یا برای توقف آن‌ها به صدا درمی‌آوردند، البته آهنگ این دو باهم متفاوت بود، شیپور توقف، قافله را یکجا متوقف می‌کرد و شیپور حرکت، اعلام شروع حرکت قافله بود. این تعبیر ضمناً بیانگر سهولت امر است و نشان می‌دهد که خداوند بزرگ با یک فرمان که به‌سادگی دمیدن در یک شیپور است اهل آسمان و زمین را می‌میراند و با یک فرمان که آن‌هم شبیه به «شیپور رحیل و حرکت» است همه را زنده می‌کند.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ۷۹۲.

او در ادامه می‌گوید: الفاظ ما که برای زندگی روزمره محدود خودمان وضع شده عاجزتر از آن است که بتواند حقایق مربوط به جهان ماوراء طبیعت یا پایان این جهان و آغاز جهان دیگر را دقیقاً بیان کند، به همین دلیل باید از الفاظ معمولی معانی وسیع‌تر و گسترده‌تری استفاده شود منتها با توجه به قرائن موجود.^۱

۲. حقیقی بودن تعبیر نفخ صور

آیت‌الله جواد آملی درباره حقیقی بودن تعبیر نفخ صور می‌نویسد: بنا بر مبنای صحیح که الفاظ برای ارواح و اهداف معانی وضع شده و هیچ‌کدام از مصادیق خاص در اعصار دخیل نیست. اطلاق آن (صور) بر وسیله نوری از سنخ حقیقت است. نه مجاز مرسل یا تشبیه.^۲

۳. سکوت درباره چگونگی نفخ صور

برخی بر این عقیده‌اند که قرآن در آیات مربوط به نفخ صور از سه مطلب گزارش داده است. صور، نفخ و صبحه؛ اما اینکه واقعیت آن‌ها چیست برای ما در این جهان روشن نیست و باید به‌سان بسیاری از مفاهیم غیبی ایمان آورد.^۳

بررسی و ارزیابی

به نظر نگارنده دیدگاه دوم به حقیقت نزدیک‌تر است؛ زیرا:
۱. اصل در الفاظ حمل کردن بر حقیقت است؛ و حمل کردن الفاظ بر کنایی و استعاره نیازمند به دلیل است.

۲. لازمه پذیرش کنایی و استعاره بودن نفخ صور کنار گذاشتن بسیاری از روایات است که به‌صراحت «صور» را به معنای «قرن» دانسته و «نفخ» را به معنای حقیقی آن تفسیر کرده است.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۳۵.

۲. عبد الله جواد آملی، معاد در قرآن، ص ۲۹۲.

۳. جعفر سبحانی، نفخ صور یا مقدمه حیات نوین، درس‌هایی از مکتب اسلام، ص ۹-۱۷.

۳. بین نفخ صور و نفخ روح تفاوت وجود دارد چون نفخ روح به خدا نسبت داده و نفخ صور به فرشته نسبت داده شده است.
۴. روشن نبودن چیستی نفخ صور هم قابل قبول نیست چون قرآن و روایات فریقین به خوبی به این موضوع پرداخته است.
۵. درباره موضوعات به آخرت باید به قرآن و روایات مراجعه کنیم چون عقل در این باره جوابگو نیست.

تعداد نفخ صور

وجه تمایز آیه ۶۸ سوره زمر با سایر آیاتی که سخن از نفخ صور به میان آورده‌اند تصریح به تعدد نفخ‌ها است. وجوه تعبیر مختلف درباره نفخ صور و پیامدهای آن باعث شد که مفسران درباره تعداد نفخه‌ها دیدگاه‌های مختلفی داشته باشند. عده‌ای قائل به دو نفخه و برخی معتقد به سه نفخه و گروهی بر چهار نفخ تأکید دارند.

مفسران مکتب اهل بیت

علامه طباطبایی راجع نفخ صور می‌نویسد: ظاهر آنچه در کلام خدای تعالی در معنای نفخ صور آمده این است که این نفخه دو بار صورت می‌گیرد، یکبار برای اینکه همه جانداران باهم بمیرند و یکبار هم برای اینکه همه مردگان زنده شوند؛ و این معنا از روایات وارده از ائمه اهل بیت (ع) و بعضی از روایات وارده از طرق اهل سنت از رسول خدا (ص) برمی‌آید.^۱

طبرسی نیز در تفسیر خود درباره تعداد نفخه می‌نویسد: «ثُمَّ نُفَخَ فِيهِ أُخْرَى» (سپس دوباره در صور دمیده شد) مراد از نفخه دوباره نفخه بعث و رستاخیز است که آن نفخه دوم است. قتاده در حدیث مرفوعی که نقل کرده گوید: میان دو نفخه از جهت زمان چهل سال می‌باشد و گفته شده که خداوند پس از نفخ صور و مردن افراد، اجسام را نابود کرده و دوباره ایشان را بازمی‌گرداند و خداوند هم با این بیان: «فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ» (پس ناگهان ایشان‌اند ایستادگان) از سرعت ایجاد و پدید آوردنشان خبر می‌دهد، زیرا

۱. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۲۹۳.

خداوند سبحان زمانی که نفخه دوم دمیده شد ایشان را پس از آن بازمی گرداند، پس ایشان از گورهای خود برخاسته و می ایستند.^۱

در تفسیر نمونه آمده است که: مشهور در میان علمای اسلام دو مرتبه است و ظاهر آیه مورد بحث نیز همین می باشد، جمع بندی آیات دیگر قرآن نیز خبر از دو «نفخه» می دهد، ولی بعضی تعداد آن را سه نفخه و یا حتی چهار نفخه دانسته اند. به این ترتیب که نفخه اولی را نفخه «فزع» می گویند. این تعبیر از آیه ۸۷ سوره نمل گرفته شده: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ» هنگامی که در صور دمیده می شود همه کسانی که در آسمان و زمین هستند در وحشت فرو می روند؛ و نفخه دوم و سوم را نفخه «مرگ» و «حیات» می دانند که در آیات مورد بحث و آیات دیگر قرآن به آن اشاره شده، یکی را نفخه «صعق» می گویند (صعق هم به معنی بی هوش شدن و هم مردن آمده است) و دیگری را نفخه «قیام» کسانی که احتمال نفخه چهارمی داده اند ظاهراً از آیه ۵۳ سوره یس گرفته اند که بعد از نفخه حیات می گوید: «إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ» تنها یک صیحه خواهد بود و به دنبال آن همه آن ها نزد ما حاضر می شوند؛ و این نفخه «جمع و حضور» است.

ولی حق این است که دو نفخه بیشتر نیست و مسئله فزع و وحشت عمومی در حقیقت مقدمه ای است برای مرگ جهانیان که به دنبال نفخه اولی یا صیحه نخستین حاصل می شود، همان گونه که نفخه جمع نیز دنباله همان نفخه حیات است و به این ترتیب دو نفخه بیش نخواهد بود «نفخه مرگ» و «نفخه حیات». شاهد دیگر این سخن آیه ۶ و ۷ سوره نازعات است، آنجا که می گوید: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ»^۲ روزی که زلزله کوبنده همه جا را بلرزاند و به دنبال آن زلزله ای که بندگان را زنده و هم ردیف می سازد واقع می شود.^۳

مفسران اهل سنت

میبودی معتقد است که به هنگام قیامت سه نفخه محقق می شود؛ نفخه فزع، نفخه صعق و نفخه قیام؛ و منظور «وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ» نفخه دوم است بعد از نفخه فزع از

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۹۲.

۲. نازعات/۶-۷

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۵۳۸

آیه ۸۷ سوره نمل گرفته شده: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ»؛ و ایشان ادعا می کند که اکثر مفسران بر همین باورند.^۱

فخر رازی بعد از نقل دیدگاه ها، قبول می کند که سه نفخه محقق می شود؛ اول: نفخه فزع که در سوره نمل آمده است (از آیه ۸۷ سوره نمل گرفته شده: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ» هنگامی که در صور دمیده می شود همه کسانی که در آسمان و زمین هستند در وحشت فرو می روند.) دوم: نفخه صعق و سوم: نفخه قیام که در این سوره (زمر) بیان شده است.^۲ در تفسیر روح المعانی احتمال چهار نفخه نیز داده شده است.^۳ قرطبی می نویسد: این نفخه دو بار صورت می گیرد، یک در نفخه اول همه جانداران باهم بمیرند و در نفخه دوم همه مردگان زنده می شوند.^۴ مراغی نیز نفخه فزع و نفخه صعق را یکی دانسته است.^۵

بررسی

۱. از مجموعه آیات و روایات فهمیده می شود که دمیدن در صور دو بار و به دستور حق تعالی انجام می شود و فزع، صعق و قیام از آثار و تبعات نفخ صور است. این مطلب از حرف فاء (از آیه ۸۷ سوره نمل «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ» و از آیه مورد بحث) فهمیده می شود که دلالت بر ترتب دارد.

۲. مفسران مکتب اهل بیت (ع) اتفاق نظر دارند که نفخ صور دوباره اتفاق می افتد.

۱. احمد بن ابی سعد رشیدالدین میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۸، ۴۳۶.
۲. محمد بن عمر فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۴۷۶.
۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۲۸۲.
۴. محمد بن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۷۹.
۵. احمد بن مصطفی مراغی، ج ۲۴، ص ۳۳.

معنای صاعقه

صَعِقَ: در لغت به معنای غش کردن می‌باشد و این صوت از بس که مخوف و وحشتناک است در هنگامی شنیدن آن عقل از بین می‌رود. ۱ این واژه در قرآن کریم به سه معنا آمده است:

- ۱- موت، مثل: «فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ»^۲ و «فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ»^۳
- ۲- عذاب، مثل: «أُنْذِرْكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ»^۴
- ۳- نار، مثل: «وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ»^۵

در آیه مورد بحث واژه صعق به معنای مرگ می‌باشد که آن لازم معنای صعق است. طباطبایی می‌نویسد: شاید همین انحصار نفخ صور در دو نفخه «اماته» و «احیا»، باعث شده که کلمه «صعق» را در نفخه اول به مردن خلاصه تفسیر کنند، بالاینکه معروف از معنای این کلمه غش کردن است. صاحب صحاح می‌گوید: وقتی گفته می‌شود: «صعق الرجل صعقا و تصعقا» معنایش این است که غش کرد و «اصعقه غیره»، یعنی دیگری او را به غش درآورد آن گاه می‌گوید: «صعقه» در آیه «فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ» به معنای مردن است.^۶ در این باره که چرا به جای صعق مات گفته نشده است. این تعبیر برای این آمده است که صعق دلالت دارد بر مرگ ناگهانی؛ و مدت زمان این مرگ خیلی کم است، زیرا پس از آن تنها یک مرحله باقی مانده که آن نفخه دوم است.

استثناء شدگان از صعقه

خداوند در این آیه می‌فرماید: «فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» و اما اینکه این استثناء شدگان چه کسانی هستند؟ در این باره مفسران با استناد به روایات اقوال متعددی را مطرح کرده‌اند.

۱. محمد بن مکرم ابن منظور، ج ۱۰، ص ۱۹۸.

۲. زمر/۶۸

۳. نساء/۱۵۳

۴. فصلت/۱۳

۵. رعد/۱۳

۶. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۴۴۴.

مفسران شیعه

در تفسیر مجمع البیان می نویسد: «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» (مگر آن که را خدا بخواهد) در معنی مستثنی (یعنی آن کسی که از خطر صور و بیهوشی معاف است) اختلاف شده است. قول اول: برخی گفته اند افراد مستثنی عبارت اند از «جبرئیل»، «میکائیل»، «اسرافیل» و ملک الموت یعنی «عزرائیل»؛ و این سخن از «سدی» نقل شده است. و نیز روایت مرفوعی در این باب نقل کرده اند.

شیخ طوسی در تفسیر التبیان می نویسد: عده ای از ملائکه زنده می ماند. قول دوم: عده ای گفته اند افراد مستثنی عبارت اند از شهیدان در راه خداوند و این سخن را «سعید بن جبیر» و «عطا» از «ابن عباس» و «ابو هریره»، از پیغمبر (ص) نقل کرده اند که آن حضرت درباره این آیه از کسانی که شامل بیهوشی مرگ آور نمی شوند از جبرائیل سؤال کرد و او جواب گفت که ایشان شهیدان می باشند که شمشیرهای خود را کنار عرش به کمر بسته اند. قول سوم: در تفسیر الفرقان می نویسد: منظور از استثناء شدگان چهارده معصوم (ع) و پیامبران اولوالعزم.^۱ قول چهارم: هشت فرشته که حاملان عرش اند و جبرئیل و میکائیل و عزرائیل و اسرافیل. قول پنجم: حورالعین و خزنه دوزخ.^۲

مفسران اهل سنت

اینکه مراد از «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» چه کسانی باشند مفسران اهل سنت اقوالی چندی را در این زمینه ذکر نموده اند که می توان به چند قول از آنها اشاره نمود: آلوسی در تفسیرش می گوید: مراد از «إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ» می تواند جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل اند، که پیشوایان فرشتگانند، باشد چون این نامبردگان در هنگام نفخ صور نمی میرند، بلکه بعد از آن می میرند.^۳ قول دوم: آن چهار نفر با حاملان عرش اند.^۱ قول سوم: شهداء چون

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۹۲؛ محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۶؛ محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۲۵، ص ۳۸۶.

۲. حسین بن علی ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۴۹.

۳. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۲۸۲؛ محمد بن عمر فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۴۷۶.

در قرآن آمده است: «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»^۲ قول چهارم: از جابر؛ شخص استثناء شده موسی (ع) می باشد چون او یک بار گرفتار صعقه شد و بار دوم گرفتار صعقه نمی شود. قول پنجم: آن نامبردگان با رضوان و حور و مالک و زبانیه اند. بعضی دیگر گفته اند: منظور از جمله «مَنْ شَاءَ اللَّهُ»، خود خدای سبحان است.^۳

بررسی

۱. علامه طباطبایی اینکه منظور از استثناء شدگان «خود خدای سبحان باشد» را رد کرده است و این قول را از همه اقوال سخیف تر و بی پایه تر دانسته است
۲. در تفاسیر فریقین تقریباً به موضوع مشابه پرداخته است و همه مفسران از روایات استفاده کرده است.

نتیجه

از مجموع این آیات، استفاده می شود که در پایان جهان، صیحه عظیمی اهل آسمان ها و زمین را می میراند و این «صیحه مرگ» است؛ و در آغاز رستاخیز، با صیحه و فریاد عظیمی همه زنده می شوند و به پا می خیزند و این «فریاد حیات و زندگی» است. اکثر مفسران «نفخ صور» را به همان معنی «دمیدن در شیپور» تفسیر کرده اند که گفتیم، این ها کنایات لطیفی است درباره چگونگی پایان جهان و آغاز رستاخیز، ولی تعداد کمی از مفسرین «صور» را جمع «صورت» دانسته و بنابراین، نفخ صور را به معنی دمیدن در صورت، مانند دمیدن روح در کالبد بشر دانسته اند، طبق این تفسیر، یک مرتبه در صورت های انسانی دمیده می شود و همگی می میرند و یک بار دمیده می شود، همگی جان می گیرند. در آیه مورد بحث نفخ صور به معنای حقیقی به کار رفته است. البته این صور یک صور فوق العاده می باشد. نفخ صور دوباره انجام می گیرد بار اول نفخ اماته و بار دوم نفخ احیا.

۱ همان.

۲. آل عمران/۱۶۹.

۳. سید محمود آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۲، ص ۲۸۲؛ محمد بن عمر فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۴۷۶؛ جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۵، ص ۳۳۷.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، چاپ، سوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ ق.
۳. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، دار الفكر، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۴. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۵. تاب: ثعلبی، نیشابوری ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۶. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۷. جوادی آملی، عبد الله، معاد در قرآن، اسراء، قم.
۸. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۹. خانی رضا، حشمت الله ریاضی، بیان السعادة فی مقامات العبادة، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیة، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم الدار الشامیة، دمشق بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، كشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۱۳. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

۱۴. سبحانی، جعفر، نفخ صور یا مقدمه حیات نوین، درسهایی از مکتب اسلام، شماره ۳۰، موسسه در راه حق، قم.
۱۵. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ ش.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، دفترانتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کتاب فروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۱. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق، چاپ سوم.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۲۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دار الکتب، قم، ۱۳۶۷ ش.
۲۶. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیرالمراغی، داراحیاءالتراث العربی، بیروت.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۲۸. ملاحویش، آل غازی عبدالقادر، بیان المعانی، مطبعة الترقی، دمشق، ۱۳۸۲ ق.